

شنبه ۰۵ می ۲۰۱۸

مرجان کمال

انکشاف و شورش مسلحانه علیه دولت افغانستان

بُعد، وسعت، اهمیت جیوستراتیژی و اهمیت قبیله

در افغانستان

نویسنده: مرجان کمال قسمت کوچکی از مطالعاتش برای تیز دکتورای سبانس پولیتیک

مترجم: فریده کمال

قسمت چهارم

بعد از سقوط رژیم طالب ها، طالب ها در ولایت شرقی افغانستان، ننگرهار عقب نشینی نکرده، بلکه در ولایات جنوب عقب نشینی کردند. دولت توانست به زودی در آن جا جاگزین شود، بدون اینکه آگاهی از شدت انکشاف شورش در جنوب داشته باشد. در ولایات کنر و لغمان نیز عناصر سازنده بی ثباتی که ارتباط دارد به شبکه حزب اسلامی و شبکه طالب ها حضور زیاد داشت. و بر علاوه بازگشت دوباره قوماندان های سابقه که عامل بزرگ بلند رفتن بی امنیتی و نا آرامی در منطقه گردید.

ولایت ننگرهار که شاهد بمباران زیاد قوای هوایی ائتلاف به رهبری امریکا در وقت سقوط طالب ها بود، توانست با وجود بی ثباتی در اطرافش، با ثبات باقی بماند.

از شروع سال ۲۰۰۷ اوضاع در حال تبدیل شدن گردید، حمله بالای کاروان قوای مسلح خارجی و قوای مسلح افغان (ANA) و همچنان شخصیت های دولتی مانند ولسوال ها و قوماندان های پولیس مکرراً به عمل آمد. و چندین انفجار در شهر جلال آباد به وقوع پیوست.

سرحد روشن نیست، بین اینکه آیا حملات از طرف شورشیان می باشد یا اینکه اهالی محل در مقابل قوای نظامی مسلح خارجی از خود عکس العمل نشان دادند. به طور مثال در شب شنبه دوم ماه جون سال ۲۰۰۷، فرض می شود که طالبان به سرخکان در ولایت لغمان، چند کیلومتر قبل از رسیدن به ولایت ننگرهار حمله نمودند و لاری ها را آتش زدند، در حالیکه دقیقاً به همین تاریخ جنگ به تورغر، کوهی که در دامنه آن کوچی های دولتری خیمه زده بودند، فرض می کنیم که حمله کنندگان کوچی ها بودند که جهت انتقام از کوه ها پائین شدند و از طرف دیگر در همین مناطق، هوت خیل ها نیز مسکن گزین هستند که آنها مشهور به چپاول گری در برابر عابرین می باشند. فلهاذا انتشار یک نوع جدید خشونت مسلحانه همه به شورشیان ارتباط نمی گیرد. این دلالت می کند به گروپ هایی که، قدرت زیان بخشیدن و یا گروپ های مضر که به صورت نا منظم سبب نا آرامی می گردند. مثال هوت خیل ها و یا گروپ های مسلح که

جهت انتقام گرفتن، فکر می کنند که اهانت به عزت شان گردیده، مثل کوچی های دولت زی که قبلاً ذکر شد. و بعضی از این گروه ها در دو طرف سرحد با پاکستان و افغانستان جاگزین هستند.



مرجان کمال با یکتن از ژورنالیستان و نویسندگان فرانسوی "میرمن مریم ابو ذهب" در ولایت مشرقی که نامبرده نیز در هنگام تهاجم شوروی به افغانستان و در دهه های اخیر برای وطن و مردم ما بسیار خدمت کرده است. روانش شاد باد

انتشارخسونت مسلحانه در محیط قبیله

مثال ولایت ننگرهار

خسونت مسلحانه و اعتراض علیه حضور نظامیان خارجی در ننگرهار:

در ولایت ننگرهار خسونت های زیاد مسلحانه علیه دولت تا سال ۲۰۰۷ موجود نبوده، که به شورشیان مسلح ارتباط داشته باشد. از شروع سال ۲۰۰۷ دفعتهاً تعداد حملات علیه قوای نظامی خارجی و همچنین حملات به ولسوالی ها، ولسوال ها و قوماندان های پولیس زیاد گردید. در زمانیکه یک حمله انتحاری در ماه مارچ ۲۰۰۷ در مارکوه در ولسوالی بتی کوت به وقوع پیوست وضعیت به خصوص رو به وخامت گذاشت. در این حمله هیچ یک عسکر امریکائی کشته نشده، اما عکس العمل اردو خیلی خسونت بار بود. نظامیان با فیرهای ماشیندار، که حتی تا به یک الی یک و نیم کیلومتر در منطقه حمله می نمودند. شمار کشته شدگان و زخمیان به قرار اعلان رسمی به ۵۵ نفر میرسید، که از آن جمله ۲۱ کشته و ۳۴ زخمی قلمداد شده بود. تأثیر این رویداد آنقدر بزرگ و مهم بود که دو ماه بعد در غنی

خیل، مرکز ولسوالی شینوار، وقتی از اهالی در مورد پرسیده شد، همه تعداد کشته شدگان را حد اقل ۸۰ نفر می گفتند. دو روز بعد از حمله تظاهرات در شهر جلال آباد، در دارالمعلمین و پوهنتون جلال آباد بروز کرد.

این مرتبه اول نیست که اهالی جلال آباد به تظاهرات علیه سلوک و روش نا مناسب قوای خارجی می پردازند. در ماه اپریل ۲۰۰۵ نیز مظاهرات بسیار وسیع، به منظور اهانت به قران شریف از از طرف امریکائی ها در شهر جلال آباد صورت گرفت، که این تظاهرات بالاخره به خشونت علیه دفاتر انجوها و دفاتر تمویل کنندگان خارجی که تعداد این دفاتر در این ولایت خیلی زیاد است، انجامید که چندین روز دوام کرد.

علاوئاً یک تعداد از سران قبیله شینواری در تابستان ۲۰۰۵ دست به مظاهرات جهت نکوهش و سرزنش به سبب پالیدن داخل خانه های مردم ملکی، که این روش قوای خارجی یک نقض قطعی و جدی به راه و رسم و آئین، شرف، آبرو و عزت افغان ها می باشد.

در جنوری ۲۰۰۶، نیز تظاهرات بر علیه نشر کاریکاتور حضرت محمد (ص) در یک مجله دنمارکی صورت گرفت. در مورد تظاهرات ماه می سال ۲۰۰۷ تظاهر کنندگان از قوای خارجی تقاضای به رسمیت شناختن اشتباه، و پرداخت غرامت به خسارات ناشی از حملات شان گردیدند. و همچنین در جریان همین ماه حملات پی در پی صورت گرفت که هدف آن مأمورین دولتی، ولسوال ها و قوماندان های پولیس در ولسوالی اچین، غنی خیل، و دره نور بود.

حمله غنی خیل فوراً به تعقیب یک حمله در یک خانه مسکونی شخصی توسط عساکر امریکائی، که باعث کشته شدن شش نفر و زخمی شدن دو نفر از مردم ملکی در شروع ماه می بود، گردید.

حادثه دومی نیز سبب تشکیل تظاهرات جهت تقبیح خشونت توسط قوای نظامی امریکا علیه مردم ملکی گردید.



کارکنان یک دفتر غیر دولتی در غنی خیل، به جواب سوالی در باره شرایط کار شان، فوراً ترس خود را از وخامت و خراب شدن شرایط امنیتی مطرح کردند، و مشخصاً و دقیقاً، بر علاوه ترس یک احساس تنفر در مقابل این خشونت های کورکورانه از خود نشان داده و زیادتیر مسؤولیت را به دوش امریکائی ها انداخته و علاوه نمودند که آنها سبب تحریک و برانگیختن غضب اهالی منطقه نظر به اذیت مردم ملکی می گردند. این کارکنان غیر دولتی مربوط به ولسوالی

شینواری نبوده و از ولسوالی های مختلف می باشند، و در اخیر علاوه نمودند که این مردمان تا به حال با دولت به خاطر اجتناب کردن و دوام از جنگ متحد بودند، مگر حالا بعد از این حملات علیه مردم ملکی توسط امریکائی ها، مردم آرام نه نشسته و اوضاع وخیم تر و بد تر می شود.

قبیله، گروپ های مسلح و شورشیان

در سال ۲۰۰۷ ننگرهار شاید حملات بر علیه قوای مسلح خارجی و نمایندگان دولت افغانستان، توسط یک جواب فوری در مقابل حمله قوای ائتلاف بالای مردم ملکی داده شد، که عکس العمل به جواب حمله قوای مسلح خارجی، در ولسوالی ها سبب به قتل رساندن ولسوال ها قوماندان های پولیس، با گذاشتن مواد انفجاری در سرک ها و در جا هایی که راه رفت و آمد این طبقه بود، که زیادتیر دلالت بر انتقام گرفتن، و یک نوع نزاع و دشمنی محسوب می شود.

این تشکیل یا نهاد قبیلوی نمایندگی از روی کار آمدن دوره انتقام جویی بعد از وقوع یک توهین و هتک حرمت به وجود آمده، که می تواند اعضای عین قبیله و یا قبیله دیگر مرتکب گردد.

اما اکثراً از عین قبیله حتی قرابت فامیلی، سبب نا آرامی ها و زد و خورد ها می گردد، مخصوصاً بالای تقسیمات آب، زمین، و زن، واقعات زیاد دیده می شود.

خوب ترین مثال حمله علیه قوماندان پولیس در ولسوالی خوگیانی که با ولسوال سابق غنی خیل اصیل سرخ رود همراه بود، در ماه اکتوبر سال ۲۰۰۶ صورت گرفت.

مرگ یکی آن ارتباط به یک دشمنی شخصی که زیادتیر به سابقه سیاسی اش که کمونیست بود ارتباط داده می شود. مرگ دومی زیادتیر تصادفی بود، زیرا در آن موقع در آن جا همراه با اولی بود.

در حقیقت تمامی حملاتی که بعد از وقوع حوادث هفته اول ماه می واقع گردید به کدورت و رنجش اهالی در مقابل خدشه دار شدن و لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی می باشد.

دو ولسوالی به صورت تاریخی پایگاه لوژیستیکی شورشیان مسلح علیه دولت می باشد، یکی ولسوالی چپرهار و دیگر آن ولسوالی پچیراگام (پشیرواگام) است. اولی در راه خروجی جنوب جلال آباد، و پائین شده در امتداد سپین غر، سلسله کوه ای که تعیین کننده سرحد با پاکستان است مخصوصاً در دامنه جنوبی ولایت موقعیت دارد. در همین منطقه، اولین بمباران شدید علیه توره بوره توسط امریکائی ها صورت گرفت، فلذا قابل تصور و منطقی است که این دو ولسوالی پایگاه لوژیستیکی شورشیان باشد.

لاکن اکثر حملات علیه قوت های دولتی در قلمرو شینواری، که در شروع راه خروجی شرقی شهر که در دامان سلسله کوه های سپین غر واقع است، که در شرق چپرهار و پچیراگام را یک جا می کند، صورت می گیرد.

تعداد زیاد انفجارات که در ولسوالی های بتی کوت، اچین و غنی خیل صورت گرفت همه در قلمرو شینواری قرار دارد. راکت ها معمولاً در اطراف مرکز ولسوالی اصابت می کند، کار ساختمان تعمیر ولسوالی شینوار هنوز کاملاً تکمیل نشده است. ولسوالی شینوار در بالای سرک که به طرف تورخم می رود موقعیت دارد. مردمان این ولسوالی

معروف به داشتن ارتباط با قاچاقبران تریاک اند که آن ها را همیشه در وضعیت کشمکش و نزاع همراهی نمایندگان دولتی مخصوصاً پولیس ملی و گروه عهده دار محو کشتزار های کوکنار قرار می دهد. از ماه مارچ به مجرد نمایان شدن کوکنار در مزارع کشمکش ها نیز رو نما می گردد. فلهاذا ظاهر شدن خشونت مسلحانه در ولسوالی شینواری ارتباط به کشت کوکنار، تولید و قاچاق تریاک دارد و در همین قلمرو تعداد زیادی از لابراتوار های تولید کننده هیروین نیز وجود دارد. یک تعداد آن توسط مقامات دولتی ولایتی در سال ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ بسته شد. مردم شینوار به نام قبیله سرحدی یا قوم سرحدی نیز یاد می شوند و یک رول خیلی مهم در تبادلات سرحدی با پاکستان که عبارت از قاچاق اجناس، مواد مخدر و اسلحه می باشد. بسیار مهم است که انواع مختلف خشونت ها را از هم فرق نمائیم.

فکتور های مختلف سبب به وجود آمدن این خشونت ها علیه دولت می گردد، بعضاً ظهور این خشونت ها می تواند خصومت یک قبیله همراهی دولت در بازی های اقتصادی و سرحدی باشد که به صورت تاریخی موجود است. در مقابل شورشیان موفق به بلند بردن قابلیت لوژیستیکی در ولایت گردیده و عامل آن هم به دلیل یک حمله که به هدف نرسید، جواب بسیار خشونت بار از طرف امریکائی ها به مردم ملکی داده شد، که آن ها هم با بر پا کردن مظاهرات نا خشنودی خود را اظهار کردند. و به تعقیب این تظاهرات، شرایط امنیتی در چند ولسوالی خراب گردیده، و این حالت سبب خرابی اوضاع و بلند رفتن تهدید می باشد.

تظاهرات سبب تشویش غربی ها، دولت و شیرزی والی منطقه گردید، و باید خاطر نشان نمود که در ولایت ننگرهار مردم ننگرهار طالب ها را کمک نمی کنند، تمام خانه در وقت جهاد علیه شوروی مجاهدین را با وجود خطر بزرگ بمباران شوروی پناه می دادند، لکن امروز زیادتر از یکی دو خانه طالب ها را پناه نمی دهند زیرا کار هایی که در این ولایت نموده بودند هنوز مردم از یاد نبرده اند.

این تظاهرات نشان دهنده ناکامی تام دولت است، از وقتی مقرری شیرزی به حیث والی ننگرهار، نتوانست به اهمیت قبیله پی ببرد، زیرا قبلاً همه بزرگان قبیله در مسجد سفید ساختمان ولایت پذیرائی می شدند و امروز از آن ها پذیرائی نگردیده، که نه تنها این بی اعتنائی سبب پریشانی مردم است، بلکه سؤال کشت و محو کوکنار نیز مطرح می باشد. قبلاً به این اندازه خشونت مسلحانه وجود نداشت. امروز مردم زیر فشار و ترس قرار دارند، بدون آنکه به آن توجه شود، لکن شیرزی متوجه ترس مردم نبوده و مصروف کار های ساختمانی نسبت به حکومت داری می باشد. **حکومت داری از تیکه داری فرق می کند.**

قبیله علیه دولت:

مثال یک قبیله دو طرف سرحد (Transfrontalière)

مکانیزم اجتماعی - سیاسی قبائل: اتحاد و همبستگی قبیله‌ای

جامعه پشتون به نسبت داشتن خصوصیات و ارزش های مشخص قبیله‌ای متفاوت می باشد.

و مشخصات آن به دو نوع قابل ملاحظه می باشد:

- یک یا چندین گروه تأسیسات یا نهاد

- تشکیلات، و سازماندهی جامعه از قطعات مختلف که بالای قوم و فامیل تهداب گذاری شده است.

گر چه ادعا بر مساوات می شود لکن تشکیلات قبیله‌ای دارای تفاوت های اجتماعی بوده و به خوبی فرق بین گروپ ها دیده شده که عبارت است از قبیله بزرگ (غت قوم) و قشر پائین یا قبیله خورد.

قبیله بزرگ متشکل از سران قومی که دارای نفوذ و اعتبار سیاسی بزرگ می باشد و اکثراً رول میانجی را بین قبیله و دولت بازی می کنند. در حقیقت مفهوم قبیله عبارت از یک گروپ که مساوات طلب می باشند، و دارای یک تعداد ارزش های معنوی مانند صداقت، وفا داری و حفظ احترام دیگران می باشد و در مقابل تمام مداخلات خارجی مقاومت می نمایند.

اکثر این مشخصات نظر به اوضاع و احوال و فضای سیاسی و اجتماعی به اشکال مختلف تحقق می یابد. یک پرنسیپ عمده در تأسیسات شان وجود دارد، که موجودیت این تأسیسات در داخل قبیله کوشش می کند تا یک پارچه گی گروپ را حفظ و از فکتور های تجزیه و تقسیم جلوگیری نماید.

قبیله شینواری دارای ۱۲ قبیله خورد یا قشر پائین می باشد، به هر کدام آن یک بیرق داده می شود در صورت برخورد و درگیری همراهی یک عنصر بیرونی به قبیله شینواری، گروپ های مختلف قبیله در غنی خیل زیر ۱۲ بیرق جمع می شوند. تا یک راه حل به آن پیدا نموده و از مشاجره و زد و خورد جلوگیری به عمل آید، این طرز عمل در بین پشتون ها زیاد است که وظیفه شان تضمین کننده همبستگی قبیله می باشد تا از پارچه شدن جلوگیری به عمل بیاید.

مؤثریت قدرت غنی خیل به دلیل داشتن یک مقر قدرت غیر رسمی می باشد. به طور مثال در آخرین دفعه که زیر ۱۲ بیرق گرد آمدند برای مطالبه زمینی که برای شان تخصیص داده شده بود، به دلیل جبران خساره یا پرداخت غرامت، بعد از مرگ یک نفر از شینواری ها بود.

این زمین امروز در ولسوالی رودت (Rodat) در کمپ سرشاهی (Camp-e Sarshahi) موقعیت دارد.

این تأسیسات یا طرز العمل در قبیله شینواری به نام مچلگاه (Matchelgha) یاد می گردد، که این طرز عمل دلالت بر این می کند که نفر سوم که به هیچ جناح درگیر، ارتباط نداشته باشد یک سنگ سرخ را در بین دو طرف اشخاصی که در منازعه اند می گذارد. به این ترتیب یک نفر سوم به صفت شاهد پیشنهادات به هر دو طرف می کند، و کوشش می کند تا یک راه مصالمت آمیز به موافقه جانین پیدا شود.

ظرفیت، قدرت، توانایی و صلاحیت جامعه جهت نظم اجتماعی از طریق نهاد ها یا تأسیسات پشتون ها نشان دهنده قابلیت و ثبوت قدرت شان می باشد. و این قوت توسط اهمیت دادن به همبستگی قبیله‌ای نشان داده می شود. (قوم با اتفاق) (qawm-e bâ etefâq). و از قرار همین همبستگی نظم برقرار و نگاه داشته می شود. به همین ترتیب اگر قبیله تخطی می کند کشتزار یک قبیله دیگر را تصرف و یا استعمال می نماید، تمامی گروپ قبیله برای مجازات کردن متخلف بسیج می شوند، مجازات می تواند به شکل یک جریمه باشد و طرف مقابل ناغه (nâgha) می پردازد، یا کدام جزای دیگر که از طرف قبیله برایش تعیین می شود.

یک نوع طرز العمل دیگر در داخل تأسیسات گروه قبیله شینواری که عبارت از گُند (Gwond) است، که تمام قبیله شینواری را به دو دسته گُندونه (gwonduna) تقسیم می کند، و این دلالت به تأسیس می کند که در آن یک رازی که از قرن ها ساخته شده و به قرار گفته یک شینواری این راز مربوط به قبیله خود شان بوده و برای همیشه نهفته باقی می ماند. لکن به قرار گفته یک غیر شینواری این راز بر عکس خوب شناخته شده است، از برکت ملک یا سران قبیله که مسئولیت ارتباطات قبیله خود را با دیگر قبیله ها دارند. یک تعداد زیاد مردم که از قبیله شینواری نبودند سران قبیله و ملک ها را بی ثبات می گویند، چون که بعضاً جریمه را به نفع خود جعل می کنند.

بالتر از تعلقات، وابستگی ها و عضویت، و بالاتر از اتحاد قبیلوی اجباری، زمانیکه لزوم دید بر جمع شدن در زیر ۱۲ بیرق باشد، در این حالت لزوم دید گُند، برابری تمام اعضا و اقشار قبیله می باشد.

بالاخره عنصر لاینفک در هویت شینواری: قلمرو یا خاک.

تمامی ۱۲ گروه در یک منطقه که به ولسوالی های مختلف تقسیم شده اند زندگی می کنند، و قرار ریفرانس داده شده از جانب شان خود را منصوب به یک قلمرو متحد می دانند، که عبارت از شینوار است. به این لحاظ یک رقابت بین دولت که این منطقه را به چندین ولسوالی تقسیم کرده و قبیله شینوار، که خود را همه مربوط به یک قلمرو دانسته، بدون اینکه سرحد اداری را بشناسند.

این قلمرو شینواری ها نظر به موقعیت جغرافیائی اش در منطقه سرحد با پاکستان قرار گرفته است که این برایش یک هویت مشخص می دهد.

دولت، قبیله و قلمرو:

مثال یک ولسوالی خود مختار («لوی ولسوالی شینوار»)

لوی ولسوالی شینوار نشان دهنده یک قلمرو قبائلی است که از چندین ولسوالی تشکیل شده است.

ولسوالی های آن یکی پهلوی دیگر به صورت یک خط واقع شده است، و در کنار سرحد همراهِ پاکستان توسط سلسله سپین غرنشان داده شده است. که عبارت است از ولسوالی ده بالا، اچین و دُربابا است.

قلمرو قبائلی شینواری ولسوالی های که در دامنه پائین تر، سپین غر که نام قدیم شینوار بود و همچنان بتی کوت، نازین (Nazyan) و رودت (Rodat) می باشد.

غنی خیل که در مرکز و یک مکان عریض به امتداد سرک جلال آباد - تورخم واقع است (۷۰KM)

غنی خیل از یک طرف مرکز رسمی قدرت به صفت مرکز ولسوالی شینواری و هم چنان قلب یا مرکز سیاسی غیر رسمی در قلمرو ولسوالی شینوار می باشد.



مجموع نفوس ولایت ننگرهار، شینواری ها و تمام قبائل دیگر از موجودیت این مکان سیاسی غیر رسمی واقف هستند. این مکان فاقد و بی بهره از ادارات سرحدی رسمی می باشد.

سرک های که از این مکان می گذرند تمام ولسوالی غنی خیل را قطع می کنند. موجودیت دولت به صورت یک حکم یا دستور در منطقه گنجانیده شده است و تمام مراکز اداری در مرکز ولسوالی غنی خیل واقع است.

به دو دلیل این قدرت شینواری ها را توضیح داده می توانیم:

- اول رول امتیازی این قبیله به حیث نگهبان سرحد، که شینواری ها از دوره استعمار از دادن مالیه معاف، و در مقابل دولت به حیث یک قلمرو خود مختار رول بازی کردند.

- دوم موجودیت یک اقتصاد واقعی از قاچاق امتعه و اقتصاد تریاک که عبارت از کشت کوکنار، تولید تریاک و قاچاق فرا سرحدی، و کنترل بازار های اساسی قاچاق منطقه مارکوه و غنی خیل و همچنان نقاط عبور فراسرحدی در تمام امتداد سلسله سپین غر.

از منشأ و پیدایش دولت افغانستان، حضور ادارات دولتی در اطراف این ولسوالی کم است و این مناطق که در آن حضور دولت کاهش یافته است بنام یاغیستان «Yaghistak» یا مناطق سرحدی «Manâteq- sarhadi» یاد گردیده و ملاحظه می شود که معمولاً دولت قادر به عملکرد نیست و جای خود را به قدرت های محلی رها کرده است.

ادامه دارد